



بررسی میزان اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و ابراز وجود دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در شهرکرد

خدیجه فولادی^۱

۱. استادیار، گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: kh.foladi@cfu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و ابراز وجود دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در شهرکرد بود. این تحقیق به صورت شبه‌آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو آزمون رشد اجتماعی و ابراز وجود استفاده شد. در این پژوهش، گروه آزمایش تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی قرار گرفت، در حالی که گروه کنترل هیچ گونه آموزشی دریافت نکرد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (MANCOVA) استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر رشد اجتماعی ($F=17.35, p=0.001$) و ابراز وجود ($F=14.02, p=0.001$) دانش‌آموزان گروه آزمایش داشته است. اندازه اثر برای هر دو متغیر رشد اجتماعی و ابراز وجود، به ترتیب ۰.۴۱ و ۰.۳۶ گزارش شد که نشان‌دهنده تأثیر قوی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر این دو مؤلفه است. با توجه به نتایج، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی نقش مؤثری در بهبود رفتارهای اجتماعی و ارتباطی دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دارد. این یافته‌ها بر اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی به این گروه از دانش‌آموزان تأکید کرده و می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های آموزشی مؤثر در مدارس ویژه برای این دسته از دانش‌آموزان قرار گیرد.

کلیدواژه‌گان: آموزش مهارت‌های اجتماعی، رشد اجتماعی، رفتار ناسازگارانه، ابراز وجود، دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، شهرکرد.

تاریخ ارسال: ۱۸ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۳۰ خرداد ۱۴۰۴



How to cite: Foladi, K. (2025). Examining the Effectiveness of Social Skills Training on Social Development and Assertiveness of Educable Intellectually Disabled Female Students in Shahrekord. *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(1), 1-14.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Examining the Effectiveness of Social Skills Training on Social Development and Assertiveness of Educable Intellectually Disabled Female Students in Shahrekord

Khadijeh Foladi^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: kh.foladi@cfu.ac.ir

Abstract

The aim of this study was to investigate the impact of social skills training on the social development and assertiveness of educable intellectually disabled female students in Shahrekord. This research was conducted using a quasi-experimental design with a pretest–posttest control group. Data were collected through two standardized instruments: the Social Development Test and the Assertiveness Test. In this study, the experimental group received social skills training, while the control group did not receive any training. Data were analyzed using multivariate analysis of covariance (MANCOVA). The results indicated that social skills training had a significant effect on social development ($F = 17.35$, $p = 0.001$) and assertiveness ($F = 14.02$, $p = 0.001$) of the students in the experimental group. The effect size for both social development and assertiveness was reported as 0.41 and 0.36, respectively, which demonstrates the strong impact of social skills training on these two components. Based on the findings, it can be concluded that social skills training plays an effective role in improving the social and communicative behaviors of educable intellectually disabled female students. These results highlight the importance of providing social skills training for this group of students and may serve as a foundation for designing effective educational programs in special schools for such students.

Keywords: *Social skills training, social development, maladaptive behavior, assertiveness, educable intellectually disabled students, Shahrekord.*

Submit Date: 07 January 2025

Revise Date: 01 May 2025

Accept Date: 08 May 2025

Publish Date: 20 June 2025

مهارت‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های رشد روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان شناخته می‌شوند و نقشی اساسی در شکل‌گیری تعاملات فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. این مهارت‌ها نه تنها زمینه‌ساز روابط مثبت میان فردی هستند، بلکه بر سازگاری اجتماعی، سلامت روان و پیشرفت تحصیلی نیز اثرگذارند. فقدان مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان، به‌ویژه در گروه‌های آسیب‌پذیر همچون کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی چون انزوا، پرخاشگری، اضطراب و ضعف در ابراز وجود شود. بنابراین، آموزش مهارت‌های اجتماعی یکی از رویکردهای کلیدی برای ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و تحصیلی این گروه از دانش‌آموزان تلقی می‌شود (Bavi & Ostadabbasi, 2021).

اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی در روان‌شناسی تربیتی و آموزش ویژه به طور گسترده‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که این آموزش‌ها نه تنها باعث تقویت عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس می‌شوند، بلکه در بهبود مهارت‌های ارتباطی و کاهش مشکلات رفتاری نیز نقش مؤثری دارند (Khalatbari et al., 2010). در واقع، دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر به دلیل محدودیت‌های شناختی و رفتاری، بیشتر در معرض خطر طرد اجتماعی و ضعف در تعاملات اجتماعی قرار دارند و این امر ضرورت توجه ویژه به آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس استثنایی را دوچندان می‌کند (Jamalzadeh, 2010).

با گسترش فناوری‌های نوین و تغییر سبک زندگی، مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان نیز دستخوش تغییرات زیادی شده‌اند. بررسی‌ها نشان داده است که نسل جدید، به ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان، به دلیل استفاده گسترده از فناوری‌های دیجیتال، با چالش‌های تازه‌ای در زمینه مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی مواجه هستند (Imjai et al., 2024). این امر نشان می‌دهد که در دنیای امروز، آموزش مهارت‌های اجتماعی باید متناسب با شرایط فرهنگی و فناوری‌های نوین بازطراحی شود تا پاسخگوی نیازهای اجتماعی نسل جدید باشد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌المللی نیز تأکید دارند که هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی پیوندی تنگاتنگ با انگیزش تحصیلی و موفقیت‌های فردی دارند. برای نمونه، آریاس و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که هوش هیجانی نقش مهمی در ارتقای انگیزه تحصیلی و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کند (Arias et al., 2022). همچنین، پژوهش ویلا و همکاران (۲۰۲۱) تأکید دارد که آموزش مهارت‌های اجتماعی و هوش هیجانی می‌تواند بهبود رفتارهای نوجوانان و ارتقای همزیستی آنان در محیط‌های آموزشی را به همراه داشته باشد (Vila et al., 2021).

در پژوهش‌های داخلی نیز بارها بر اهمیت آموزش این مهارت‌ها تأکید شده است. برای نمونه، کریم‌زاده (۲۰۲۱) در پژوهش خود بر نقش توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان از طریق آموزش مهارت‌های هیجانی-اجتماعی تأکید کرده و نشان داده است که این آموزش‌ها به ارتقای کیفیت روابط در کلاس درس کمک شایانی می‌کند (Karimzadeh, 2021). در همین راستا، حسین (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی نشان داده است که هوش هیجانی می‌تواند از طریق میانجی‌گری سلامت روان بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار باشد (Hussein, 2021).

از منظر روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که افراد را در مدیریت احساسات، ایجاد روابط مؤثر، حل تعارض‌ها و برقراری ارتباطات بین‌فردی یاری می‌رسانند. آموزش این مهارت‌ها در دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، تأثیر چشمگیری بر بهبود تعاملات اجتماعی و کاهش مشکلات هیجانی دارد (Boostani-Kashani et al., 2021). همچنین، مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که میان هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و پدیده‌هایی همچون قلدری در مدارس رابطه معناداری وجود دارد و ارتقای این مهارت‌ها می‌تواند از بروز مشکلات رفتاری پیشگیری کند (Trigueros et al., 2020).

به‌علاوه، داستان‌گویی و آموزش غیرمستقیم از طریق ابزارهای فرهنگی نیز از روش‌های مؤثر در تقویت مهارت‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. برای نمونه، پژوهش رسولی و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که استفاده از داستان‌گویی به عنوان ابزاری آموزشی می‌تواند به بهبود هوش هیجانی و کاهش خجالت‌زدگی در دانش‌آموزان کمک کند (Rasooli et al., 2020). همچنین، بهره‌گیری از درمان‌های نوین همچون موسیقی درمانی

مبتنی بر بازی‌های رایانه‌ای نیز در تعدیل رفتارهای مخرب و ارتقای مهارت‌های اجتماعی مؤثر گزارش شده است (Chao-Fernández et al., 2020).

مطالعات داخلی نیز مؤید این یافته‌ها هستند. برای مثال، تحقیق اخوان تفتی و مفردنژاد (۲۰۱۸) نشان داد که هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی رابطه معناداری با سلامت روان در سالمندان دارند و این رابطه در جمعیت‌های خاص، از جمله دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، می‌تواند معنادارتر و کاربردی‌تر باشد (Akhavan Tafti & Mofradnezhad, 2018). همچنین، نتایج پژوهش پولات و همکاران (۲۰۲۲) بیانگر آن است که یادگیری مشارکتی از طریق ابزارهایی همچون نقشه ذهنی می‌تواند در ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا کند (Polat et al., 2022).

از منظر آموزشی، توسعه مهارت‌های اجتماعی باید هم در کلاس درس و هم در محیط‌های غیررسمی مورد توجه قرار گیرد. پژوهش لی و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که استفاده از برنامه‌های مبتنی بر متاورس در آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم، موجب بهبود معنادار در تعاملات اجتماعی آنان شد (Lee et al., 2022). از سوی دیگر، پژوهش یوسفی و هاشمیان‌نژاد (۲۰۲۱) نیز بر نقش بازی‌های آموزشی در ارتقای مفاهیم ریاضی و مهارت‌های اجتماعی در کودکان مضطرب تأکید داشته است (Yousefi & Hashemian, 2021).

در حوزه فناوری‌های نوین، مک‌ناتون و همکاران (۲۰۲۱) نیز دریافتند که استفاده درون‌مدرسه‌ای و برون‌مدرسه‌ای از فناوری‌های دیجیتال بر خودتنظیمی و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان تأثیرگذار است (McNaughton et al., 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی در عصر دیجیتال باید با توجه به تأثیر فناوری‌ها بازنگری و بازطراحی گردد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های مرتبط با خانواده نیز اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی را تأیید می‌کنند. برای مثال، فاکتور و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای بر روی کودکان اوتیسم پیش‌دبستانی نشان دادند که آموزش مهارت‌های اجتماعی نه تنها بر خود کودکان، بلکه بر سبک فرزندپروری والدین و عملکرد خانواده نیز اثر مثبت داشته است (Factor et al., 2021).

در ایران نیز پژوهش‌های ارزشمندی در این زمینه صورت گرفته است. برای مثال، پورامه‌هیر (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داد که رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی در کودکان دوزبانه نسبت به کودکان تک‌زبانه بالاتر است و این امر اهمیت محیط اجتماعی و یادگیری مشارکتی را در رشد مهارت‌های اجتماعی برجسته می‌سازد (Pourameh Hir, 2013). همچنین، کریم‌زاده و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی به اهمیت آموزش مهارت‌های هیجانی-اجتماعی در ارتقای رشد این مهارت‌ها پرداخته‌اند (Karimzadeh et al., 2009).

مطالعات دیگر نیز اهمیت این موضوع را تأیید کرده‌اند. برای نمونه، صلاح (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی رشد روانی-اجتماعی و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان ناتوان ذهنی پرداخته و بر نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی در ارتقای کیفیت روابط تأکید کرده است (Salah, 2008). همچنین، کرامتی (۲۰۰۲) در پژوهشی بر نقش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید داشته است (Karamati, 2002).

به طور کلی، مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به ویژه در گروه‌های خاص همچون دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد. از آنجا که بسیاری از این دانش‌آموزان فرصت کافی برای یادگیری و تمرین مهارت‌های اجتماعی در محیط‌های رسمی و غیررسمی ندارند، آموزش هدفمند این مهارت‌ها می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری، افزایش تعاملات مثبت و توانمندسازی روانی-اجتماعی آنان مؤثر باشد. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر این پیشینه علمی و با توجه به خلأ موجود در زمینه مطالعات بومی در ایران، به بررسی میزان اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و ابراز وجود دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در شهرکرد می‌پردازد.

طرح پژوهش حاضر از نوع کاربردی با روش نیمه تجربی به صورت پیش آزمون، پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری کلیه دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر مدارس استثنایی شهرکرد می‌باشد. در پژوهش‌های آزمایشی حداقل حجم نمونه برای هر گروه ۱۵ نفر معین شده است. به همین دلیل یک نمونه ۳۰ نفره از دانش آموزان کم توان ذهنی از یک مدرسه کودکان استثنایی به صورت نمونه در دسترس انتخاب شد و به طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی: این برنامه در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفته‌ای دو جلسه انجام گرفت. محتوای هر جلسه که از کتاب به پژوه و همکاران (۱۳۸۶) استخراج شده، به صورت زیر بوده است:

جلسه اول: معارفه و آشنایی با اعضای گروه، بیان مقررات گروه، بحث درمورد اهمیت مهارت‌های اجتماعی، بازخورد افراد در مورد نحوه معارفه، تن صدا، دادن تکلیفی در مورد نحوه معرفی خود به دیگران

جلسه دوم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، تمرین به روی شیوه‌های مبادله تعارف‌های روزمره، تمرین بر روی شروع گفتگو و ادامه مناسب و خاتمه آن، دادن تکلیف در مورد آغاز کردن گفتگو با دیگران و مهارت گوش کردن.

جلسه سوم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، تمرین بر روی نحوه تقاضا کردن از دیگران، ارایه الگو در مورد نحوه برخورد با شخصی که تقاضای ما را رد کرده است، دادن تکلیف در مورد تقاضا کردن و ارائه پاسخ‌های مناسب و مهارت‌های مربوط به ابراز احساسات مثبت و منفی.

جلسه چهارم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، تمرین بر روی نحوه ابراز احساسات، ارائه الگو در مورد نحوه بیان احساسات گوناگون مانند شادی، خشم، اندوه و...، دادن تکلیف درمورد نحوه ابراز احساسات و مهارت‌های مربوط به درخواست کمک و کمک کردن به دیگران. جلسه پنجم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، تمرین بر روی شیوه‌های رد تقاضاهای نامعقول، بحث در مورد علل ناتوانی در «نه گفتن»، دادن تکلیف در مورد نحوه رد کردن تقاضاهای غیر منطقی و مهارت نه گفتن.

جلسه ششم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، بحث در خصوص اینکه چرا باید انتقاد کنیم، تکلیف در مورد ارائه بازخورد به دیگران و مهارت معذرت خواهی کردن از دیگران و پذیرفتن عذر خواهی دیگران.

جلسه هفتم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، تمرین در مورد انتقاد پذیری، ارائه الگو در مورد نحوه برخورد مناسب و موثر با انتقاد، دادن تکلیف درمورد کنار آمدن و قبول انتقاد و مهارت حل مسئله و مقابله با ناکامی.

جلسه هشتم: ارائه گزارش تکلیف جلسه قبل و دادن بازخورد، جمع بندی و ارائه خلاصه از مطالب مطرح شده و ارزشیابی از نتایج جلسات و خود ارزیابی

مقیاس رشد اجتماعی وایلند: این مقیاس توسط دل در سال ۱۹۵۳ ساخته شد و در سال ۱۹۶۵ مورد تجدید نظر وی قرار گرفت. این مقیاس توسط براهنی، اخوت و دانشمند (۱۳۵۷) به زبان فارسی ترجمه و رواسازی شده است. این مقیاس ۱۱۷ سؤال دارد و به گروه‌های یک ساله تقسیم شده است.

پرسشنامه ابراز وجود گمبریل و ریچی: این پرسشنامه توسط گمبریل و ریچی (۱۹۷۵) ساخته شده است و دارای چهل سؤال است. هر سؤال بیان کننده یک موقعیت است که آزمودنی بایستی درجه نگرانی و احتمال پاسخ خود را در قبال هر سؤال مشخص سازد. درجه ناراحتی ذهنی که به میزان و شدت اضطراب و ناراحتی آزمودنی در مواجهه با این موقعیت‌ها اشاره دارد و نرخ بروز رفتار که به امکان بروز چنین رفتارهایی اشاره می‌کند. پرسشنامه ابراز وجود گمبریل و ریچی برخلاف سایر پرسشنامه‌های ابراز وجود برای افراد خاصی ساخته نشده است و سؤالات آن محدوده وسیعی از موقعیت‌های مختلف را در بر می‌گیرد.

داده‌های به دست آمده از این پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، واریانس و انحراف استاندارد بررسی می‌شود و سپس با آزمون‌های آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در این پژوهش، با استفاده از نرم افزار SPSS آزمون آماری تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA) برای بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام می‌شود. همچنین پیش فرضهای این آزمون نیز بررسی خواهد شد.

یافته‌ها

به منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای رشد اجتماعی و ابراز وجود در دو گروه آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه شد. همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، میانگین نمرات رشد اجتماعی و ابراز وجود در گروه آزمایش از پیش‌آزمون به پس‌آزمون افزایش چشمگیری داشته است، در حالی که در گروه کنترل تغییر محسوسی مشاهده نمی‌شود. این تفاوت اولیه نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند موجب بهبود سطح رشد اجتماعی و ابراز وجود در دانش‌آموزان گروه آزمایش گردد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه (آزمایش و کنترل)

متغیر	گروه	پیش‌آزمون (میانگین $\pm$ انحراف معیار)	پس‌آزمون (میانگین $\pm$ انحراف معیار)
رشد اجتماعی	آزمایش	35.6 ± 4.2	47.2 ± 3.8
	کنترل	36.1 ± 4.0	37.5 ± 3.9
ابراز وجود	آزمایش	22.4 ± 3.7	30.9 ± 3.2
	کنترل	22.7 ± 3.5	23.4 ± 3.6

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و ابراز وجود، از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (MANCOVA) استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل، مفروضه‌های آماری شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها، همگنی واریانس‌ها با آزمون لوین، و همگنی ماتریس کوواریانس‌ها با آزمون باکس بررسی گردید و نتایج نشان داد که تمامی شرایط برای انجام تحلیل مناسب است. نتایج تحلیل کوواریانس در جدول (۲) ارائه شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آموزش مهارت‌های اجتماعی اثر معناداری بر متغیر رشد اجتماعی ($F=17.35, p=0.001, \eta^2=0.41$) و ابراز وجود ($F=14.02, p=0.001, \eta^2=0.36$) داشته است. اندازه اثر نسبتاً بالا در هر دو متغیر نشان‌دهنده تأثیر قوی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود این مؤلفه‌ها در گروه آزمایش است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی

متغیر وابسته	F	سطح معناداری (p)	Eta squared (η^2)	نتیجه
رشد اجتماعی	۱۷.۳۵	۰.۰۰۱	۰.۴۱	معنادار
ابراز وجود	۱۴.۰۲	۰.۰۰۱	۰.۳۶	معنادار

نتایج جدول نشان می‌دهد که هر دو فرضیه فرعی پژوهش مبنی بر اثرگذاری آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی و ابراز وجود دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر مورد تأیید قرار گرفتند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی نقش مؤثری در بهبود رفتارهای اجتماعی و ارتباطی این گروه از دانش‌آموزان ایفا می‌کند و می‌تواند مبنایی برای برنامه‌های آموزشی ویژه در مدارس خاص باشد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی اثر معناداری بر رشد اجتماعی و ابراز وجود دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دارد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، شرکت‌کنندگان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، در هر دو متغیر رشد اجتماعی و ابراز وجود بهبود چشمگیری داشتند. این یافته‌ها بیانگر آن است که آموزش‌های ساختاریافته و هدفمند می‌توانند نقشی کلیدی در ارتقای توانایی‌های اجتماعی و هیجانی این گروه از دانش‌آموزان ایفا کنند. چنین نتیجه‌ای با چارچوب نظری روان‌شناسی رشد اجتماعی و هیجانی سازگار است؛ جایی که مهارت‌های اجتماعی به عنوان ابزاری حیاتی برای برقراری تعاملات سالم، افزایش خودکارآمدی و کاهش رفتارهای ناسازگارانه معرفی می‌شوند (Bavi & Ostadabbasi, 2021).

نتایج پژوهش با یافته‌های خلعتبری و همکاران (۲۰۱۰) همسو است که نشان دادند آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود ابراز وجود و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان با ناتوانی ذهنی کمک کند (Khalatbari et al., 2010). همچنین، مطالعه جمال‌زاده (۲۰۱۰) نیز اثبات کرده است که آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب افزایش خودپنداره و خودکارآمدی دانش‌آموزان می‌شود که در نهایت بر تعاملات اجتماعی آنان اثر مثبت می‌گذارد (Jamalzadeh, 2010). به بیان دیگر، یافته‌های پژوهش حاضر در امتداد این مطالعات قرار دارد و تأکید می‌کند که مداخلات آموزشی ساختارمند در حوزه مهارت‌های اجتماعی، بستر مناسبی برای رشد اجتماعی و روانی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی فراهم می‌سازد.

از منظر بین‌المللی نیز این یافته‌ها قابل حمایت هستند. برای مثال، پژوهش ایمجای و همکاران (۲۰۲۴) درباره تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر مهارت‌های اجتماعی نسل جوان در تایلند نشان داد که محیط‌های تعاملی دیجیتال در صورتی که همراه با آموزش هدفمند باشند، می‌توانند به بهبود روابط اجتماعی و مدیریت هیجانی دانشجویان منجر شوند (Imjai et al., 2024). این نتیجه همسو با پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی، صرف‌نظر از بستر سنتی یا دیجیتال، در ارتقای توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی گروه‌های مختلف، از جمله دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، اهمیت دارد.

همچنین، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های آریاس و همکاران (۲۰۲۲) هم‌راستا است که رابطه میان هوش هیجانی و انگیزش تحصیلی را در دانش‌آموزان ابتدایی بررسی کرده‌اند و نشان دادند که ارتقای مهارت‌های هیجانی-اجتماعی موجب افزایش انگیزش تحصیلی می‌شود (Arias et al., 2022). اگرچه پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی تمرکز داشته است، اما نتایج مشابه تأیید می‌کند که رشد اجتماعی و ابراز وجود، عناصر مشترکی در افزایش کیفیت زندگی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به شمار می‌روند. به همین ترتیب، پژوهش ویلا و همکاران (۲۰۲۱) نیز ثابت کرد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان، رفتارهای آن‌ها را بهبود می‌بخشد و بر همزیستی اجتماعی اثرگذار است (Vila et al., 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر آموزش اجتماعی نه تنها بر گروه‌های خاص بلکه در سطح گسترده‌تری از جامعه دانش‌آموزی سودمند خواهد بود.

یکی از ابعاد مهم نتایج پژوهش حاضر، تأیید نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش مشکلات رفتاری و ارتقای همدلی و روابط بین‌فردی است. پژوهش کریم‌زاده (۲۰۲۱) بر اهمیت آموزش مهارت‌های هیجانی-اجتماعی در کلاس درس تأکید کرده است و یافته‌های حاضر نیز همین ضرورت را در گروه‌های خاص‌تر بازتاب می‌دهد (Karimzadeh, 2021). همسو با این نتایج، پژوهش حسین (۲۰۲۱) نیز نشان داد که هوش هیجانی از طریق سلامت روان می‌تواند بر انگیزش تحصیلی اثرگذار باشد (Hussein, 2021). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت‌های اجتماعی علاوه بر بهبود مستقیم مهارت‌های بین‌فردی، به طور غیرمستقیم نیز بر جنبه‌های دیگری از عملکرد تحصیلی و روانی دانش‌آموزان اثرگذار است.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین با مطالعه بوستانی‌کاشانی و همکاران (۲۰۲۱) مشابهت دارد که نشان دادند روایت‌درمانی و آموزش‌های مبتنی بر تعاملات اجتماعی، منجر به بهبود همدلی و بیان هیجانات می‌شود (Boostani-Kashani et al., 2021). این یافته‌ها در کنار نتایج پژوهش حاضر، اهمیت مداخلات آموزشی ساختارمند در توانمندسازی هیجانی و اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را نشان می‌دهد. در سطح بین‌المللی، پژوهش تریگوئروس و همکاران (۲۰۲۰) نیز بر اهمیت رابطه بین هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و پدیده‌هایی مانند قلدری در مدارس تأکید کرده است (Trigueros et al., 2020). یافته‌های پژوهش حاضر به نوعی تأییدی بر این موضوع است که ارتقای مهارت‌های اجتماعی می‌تواند از بروز مشکلات رفتاری و اجتماعی در محیط مدرسه پیشگیری کند. همچنین، رسولی و همکاران (۲۰۲۰) با بهره‌گیری از روش داستان‌گویی نشان دادند که این شیوه آموزشی منجر به افزایش هوش هیجانی و کاهش خجالت‌زدگی در دانش‌آموزان می‌شود (Rasooli et al., 2020). پژوهش حاضر نیز به صورت ضمنی تأکید دارد که استفاده از روش‌های نوین آموزشی می‌تواند ابعاد مختلف مهارت‌های اجتماعی را ارتقا بخشد.

از سوی دیگر، پژوهش چائو فرناندز و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که استفاده از موسیقی درمانی مبتنی بر بازی‌های دیجیتال به بهبود رفتارهای مخرب و ارتقای مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان کمک می‌کند (Chao-Fernández et al., 2020). این یافته نیز با نتایج پژوهش حاضر سازگار است؛ چراکه هر دو تأکید دارند که تقویت مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به بهبود رفتارهای فردی و گروهی منجر شود. یافته‌های پژوهش حاضر همچنین با مطالعه اخوان تفتی و مفردنژاد (۲۰۱۸) قابل تطبیق است که نشان دادند مهارت‌های اجتماعی و هوش هیجانی با سلامت روان رابطه معناداری دارند (Akhavan Tafti & Mofradnezhad, 2018). در همین راستا، نتایج پژوهش پولات و همکاران (۲۰۲۲) نیز ثابت کرد که یادگیری مشارکتی و استفاده از ابزارهایی مانند نقشه ذهنی می‌تواند رشد اجتماعی و توانایی‌های ارتباطی دانش‌آموزان را ارتقا دهد (Polat et al., 2022).

پژوهش حاضر همچنین یافته‌های لی و همکاران (۲۰۲۲) را تأیید می‌کند که در زمینه آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان اوتیسم با استفاده از محیط متاورس نشان دادند، چنین مداخلاتی باعث بهبود معنادار در تعاملات اجتماعی می‌شود (Lee et al., 2022). نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی موجب بهبود رشد اجتماعی و افزایش توانایی ابراز وجود می‌شود که مشابه این یافته‌ها است.

علاوه بر این، پژوهش یوسفی و هاشمیان‌نژاد (۲۰۲۱) نشان داد که بازی‌های آموزشی علاوه بر ارتقای یادگیری ریاضی، مهارت‌های اجتماعی کودکان مضطرب را نیز تقویت می‌کنند (Yousefi & Hashemian Nejad, 2021). این یافته مشابه پژوهش حاضر، اهمیت برنامه‌های آموزشی ساختارمند برای ارتقای تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. همچنین، مطالعه مک‌ناتون و همکاران (۲۰۲۱) نیز حاکی از آن بود که استفاده درون‌مدرسه‌ای و برون‌مدرسه‌ای از فناوری‌های دیجیتال می‌تواند خودتنظیمی و مهارت‌های اجتماعی کودکان را بهبود بخشد (McNaughton et al., 2021). چنین نتایجی بیانگر آن است که در عصر دیجیتال، آموزش مهارت‌های اجتماعی بیش از پیش اهمیت یافته و باید در چارچوبی نوین بازطراحی شود.

از منظر خانواده، پژوهش فاکتور و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که برنامه‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی نه تنها بر کودکان، بلکه بر سبک فرزندپروری والدین و عملکرد خانواده نیز اثر مثبت دارند (Factor et al., 2021). این یافته‌ها نیز به خوبی با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دارد و نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند از سطح فردی فراتر رفته و بر کیفیت روابط خانوادگی و اجتماعی نیز اثرگذار باشد.

از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی نیز یافته‌های مشابهی ارائه داده‌اند. پورامه‌هیر (۲۰۱۳) نشان داد که رشد اجتماعی و سازگاری اجتماعی در کودکان دوزبانه در مقایسه با تک‌زبانه‌ها بالاتر است و این یافته نقش محیط یادگیری و تعاملات اجتماعی را در توسعه مهارت‌های اجتماعی

برجسته می‌کند (Pourameh Hir, 2013). همچنین، پژوهش کریمزاده و همکاران (۲۰۰۹) نیز ثابت کرد که آموزش مهارت‌های هیجانی-اجتماعی موجب ارتقای رشد این مهارت‌ها در دانش‌آموزان می‌شود (Karimzadeh et al., 2009).

پژوهش صلاح (۲۰۰۸) نیز به‌خوبی نشان داد که کیفیت دوستی و رشد روانی-اجتماعی در دانش‌آموزان ناتوان ذهنی با میزان آموزش مهارت‌های اجتماعی رابطه مستقیمی دارد (Salah, 2008). همچنین، پژوهش کرامتی (۲۰۰۲) نیز تأکید داشت که یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت دارد (Karamati, 2002). این یافته‌ها در کنار نتایج پژوهش حاضر، همگی بر ضرورت آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان، به‌ویژه گروه‌های کم‌توان ذهنی، تأکید دارند.

به طور کلی، نتایج این پژوهش همسو با پیشینه داخلی و خارجی است و نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی ابزاری مؤثر برای ارتقای رشد اجتماعی و ابراز وجود در دانش‌آموزان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر است. این یافته‌ها نه تنها اهمیت آموزش رسمی این مهارت‌ها را برجسته می‌کند، بلکه بر لزوم طراحی مداخلات آموزشی متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی نیز تأکید دارد.

این پژوهش با وجود نتایج ارزشمند خود، دارای محدودیت‌هایی است که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار گیرد. نخست، حجم نمونه پژوهش محدود و تنها شامل ۳۰ دانش‌آموز دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر بود که تعمیم نتایج را با محدودیت روبه‌رو می‌سازد. دوم، این مطالعه تنها در شهرکرد انجام شد و لذا نتایج آن ممکن است به‌طور کامل قابل تعمیم به سایر مناطق با شرایط فرهنگی و اجتماعی متفاوت نباشد. سوم، ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های خودگزارشی بودند که ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان قرار گیرند. چهارم، پژوهش در بازه زمانی کوتاه‌مدت انجام شد و امکان بررسی اثرات بلندمدت آموزش مهارت‌های اجتماعی بر این دانش‌آموزان فراهم نبود.

برای غنای بیشتر ادبیات پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از حجم نمونه بزرگ‌تر و شامل دانش‌آموزان پسر و گروه‌های سنی متنوع استفاده شود تا امکان مقایسه‌های دقیق‌تر فراهم آید. همچنین، انجام پژوهش‌های طولی می‌تواند اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی را در بلندمدت بررسی کند. بررسی نقش متغیرهای میانجی مانند حمایت والدین، سبک فرزندپروری، و سلامت روان نیز می‌تواند دیدگاه جامع‌تری در خصوص مکانیسم‌های اثرگذاری آموزش مهارت‌های اجتماعی ارائه دهد. در نهایت، مقایسه کارآمدی روش‌های مختلف آموزشی مانند بازی‌درمانی، درام‌درمانی یا مداخلات دیجیتال با یکدیگر می‌تواند به بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی کمک کند.

اجرای منظم برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس استثنایی و مراکز توان‌بخشی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای کیفیت زندگی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی باشد. همچنین، آموزش والدین و معلمان در خصوص چگونگی حمایت از این دانش‌آموزان در محیط‌های خارج از مدرسه می‌تواند اثر آموزش‌های مدرسه‌ای را تقویت کند. طراحی محتوای آموزشی متناسب با سطح توانایی‌ها و شرایط فرهنگی-اجتماعی دانش‌آموزان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. افزون بر این، استفاده از فناوری‌های نوین و ابزارهای تعاملی مانند بازی‌های آموزشی و محیط‌های مجازی می‌تواند فرآیند آموزش را جذاب‌تر و اثربخش‌تر سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

۱۰

Introduction

Social skills are widely recognized as foundational competencies that enable individuals to engage effectively in interpersonal, academic, and community contexts. They constitute a set of adaptive behaviors that help children and adolescents regulate emotions, initiate and sustain relationships, and manage social demands. A lack of social skills has been linked to poor peer relationships, increased behavioral difficulties, low self-esteem, and social withdrawal, particularly in vulnerable populations such as students with intellectual disabilities (Bavi & Ostadabbasi, 2021). The development of these competencies is thus critical for both psychological well-being and educational achievement.

The importance of social skills training in educational psychology and special education has been emphasized across multiple studies. For instance, research has demonstrated that structured social skills interventions can reduce maladaptive behaviors, improve assertiveness, and enhance interpersonal communication among students with learning and developmental difficulties (Khalatbari et al., 2010). Similarly, social skills training has been found to strengthen self-concept and self-efficacy, enabling students to express needs and feelings more effectively in social environments (Jamalzadeh, 2010).

Moreover, the contemporary digital environment has reshaped how young people interact and develop socially. Studies highlight that extensive digital engagement, particularly among Generation Z, can both enhance and hinder the acquisition of social competencies, depending on how it is structured and integrated with educational frameworks (Imjai et al., 2024). This duality suggests that the role of formal educational programs aimed at strengthening social interaction is becoming increasingly important.

International literature also underscores the close relationship between social skills, emotional intelligence, and academic motivation. Arias et al. (2022) found that emotional intelligence significantly predicts academic motivation in primary school students, thereby highlighting the interdependence between emotional-social competencies and learning (Arias et al., 2022). Similarly, Vila et al. (2021) argued that structured training in social skills and emotional intelligence contributes to improved adolescent behavior, reduces classroom conflict, and fosters coexistence (Vila et al., 2021). These findings suggest that investing in social-emotional skill development has benefits that extend beyond interpersonal communication to academic persistence and resilience.

In the Iranian context, studies have also emphasized the role of social and emotional training in empowering both teachers and students. Karimzadeh (2021) demonstrated that fostering emotional-social skills in classrooms enhances teacher-student interactions and creates a supportive educational climate (Karimzadeh, 2021). Similarly, Hussein (2021) found that emotional intelligence, mediated by mental health, predicts academic motivation among pre-university students (Hussein, 2021). Together, these findings highlight the relevance of social-emotional learning in diverse educational contexts.

Research has also established that interventions such as narrative therapy, drama-based training, and storytelling can foster emotional expression, empathy, and social adjustment. Boostani-Kashani et al. (2021)

reported that narrative therapy improved communication skills and emotional expression among couples (Boostani-Kashani et al., 2021). Comparable approaches have been applied to students with social-emotional difficulties, underscoring the effectiveness of creative, experiential methods in promoting skill acquisition. Likewise, Trigueros et al. (2020) showed a significant association between emotional intelligence, social skills, and peer harassment, suggesting that training in these domains can serve as a protective factor against school bullying (Trigueros et al., 2020).

Complementary findings suggest that methods such as storytelling can be leveraged to reduce shyness and promote social competence. Rasooli et al. (2020) found that storytelling interventions improved emotional intelligence and reduced bashfulness among female students (Rasooli et al., 2020). Similarly, Chao-Fernández et al. (2020) documented the efficacy of computer-game-based music therapy in modifying disruptive behaviors and enhancing social skills (Chao-Fernández et al., 2020). These results highlight the potential of multimodal, innovative educational practices to address social and behavioral challenges.

Akhavan Tafti and Mofradnezhad (2018) also highlighted the importance of emotional intelligence and social skills in relation to psychological well-being in older populations, underscoring the generalizability of these concepts across the lifespan (Akhavan Tafti & Mofradnezhad, 2018). Polat et al. (2022) extended this perspective by showing that collaborative learning with mind mapping fosters social skill development among children (Polat et al., 2022). In technological contexts, Lee et al. (2022) demonstrated that a metaverse-based social skills program improved social interactions among children with autism (Lee et al., 2022). Meanwhile, Yousefi and Hashemian Nejad (2021) provided evidence that educational games enhance both learning and social skills in anxious preschoolers (Yousefi & Hashemian Nejad, 2021).

In a similar vein, McNaughton et al. (2021) concluded that digital engagement, both within and outside school, influences children's self-regulation and social skills (McNaughton et al., 2021). Factor et al. (2021) found that social skills training programs for autistic preschoolers not only improved children's outcomes but also enhanced caregiver functioning and family cohesion (Factor et al., 2021). In the Iranian context, Pourameh Hir (2013) emphasized the influence of bilingualism on social adjustment and development, illustrating how contextual and cultural factors shape the acquisition of social competencies (Pourameh Hir, 2013). Karimzadeh et al. (2009) similarly confirmed that emotional-social skills training significantly contributes to developmental gains (Karimzadeh et al., 2009). Salah (2008) further supported the argument by demonstrating that psychosocial development and friendship quality in mentally disabled students are strongly associated with their social skills (Salah, 2008). Finally, Karamati (2002) identified the benefits of participatory learning in enhancing both social skills and academic performance (Karamati, 2002).

Taken together, this literature highlights the centrality of social skills education in promoting adaptive behavior, psychological well-being, and academic outcomes. Against this backdrop, the present study investigated the effectiveness of social skills training on the social development and assertiveness of educable female students with intellectual disabilities in Shahrekord, Iran.

1 Methods and Materials

This study adopted a quasi-experimental design with pretest–posttest measures and a control group. The statistical population consisted of female students with mild intellectual disabilities enrolled in exceptional schools in Shahrekord. Thirty students were selected using convenience sampling and were randomly assigned to experimental and control groups, with 15 participants in each group.

The experimental group received a structured social skills training program delivered over eight sessions, each lasting 90 minutes, twice weekly. The training curriculum included modules on introducing oneself, initiating and sustaining conversations, expressing emotions, asking for help, refusing unreasonable requests, receiving and giving feedback, coping with criticism, and problem-solving.

Instruments included the Vineland Social Maturity Scale (revised version, adapted into Persian) to measure social development, and the Gambrell and Ritchie Assertiveness Questionnaire to assess assertiveness. Data were analyzed using descriptive statistics and multivariate analysis of covariance (MANCOVA). Assumptions of normality, homogeneity of variance (Levene's test), and covariance matrix homogeneity (Box's test) were checked prior to analysis.

2 Findings

The descriptive statistics indicated that the experimental group improved substantially on both measures compared with the control group. Specifically, mean scores for social development in the experimental group increased from 35.6 (SD = 4.2) in the pretest to 47.2 (SD = 3.8) in the posttest, while the control group showed only a marginal change from 36.1 (SD = 4.0) to 37.5 (SD = 3.9). Similarly, assertiveness scores rose in the experimental group from 22.4 (SD = 3.7) to 30.9 (SD = 3.2), whereas the control group exhibited a negligible increase from 22.7 (SD = 3.5) to 23.4 (SD = 3.6).

MANCOVA results confirmed that the intervention had a significant effect on both dependent variables. For social development, the F value was 17.35 ($p = 0.001$, $\eta^2 = 0.41$), indicating a strong effect size. For assertiveness, the F value was 14.02 ($p = 0.001$, $\eta^2 = 0.36$), also reflecting a robust effect. These results suggest that social skills training was effective in enhancing both social development and assertiveness among the experimental participants, while the control group did not show significant progress.

3 Discussion and Conclusion

The findings of this study clearly indicate that structured social skills training significantly improves both social development and assertiveness in female students with mild intellectual disabilities. These results are consistent with prior studies that highlight the efficacy of social-emotional interventions in educational and therapeutic contexts. Improvements in social maturity and assertiveness observed in the experimental group suggest that when students are provided with opportunities to practice structured, role-based interactions, they can overcome barriers associated with cognitive limitations and improve their interpersonal competence.

This study aligns with existing literature showing that social skills interventions reduce maladaptive behaviors, enhance self-concept, and strengthen communication abilities (Jamalzadeh, 2010; Khalatbari et al., 2010). It also supports findings from international contexts emphasizing the interconnectedness of emotional intelligence, academic motivation, and social adjustment (Arias et al., 2022; Vila et al., 2021). Importantly, the results demonstrate that culturally adapted programs, when designed with attention to local needs, can generate significant developmental gains.

The practical implications are substantial. Schools serving students with intellectual disabilities can benefit from incorporating structured social skills curricula into their programming, thereby addressing not only academic needs but also the broader psychosocial development of students. The observed improvements in assertiveness further suggest that such training empowers students to express their needs and resist negative peer influences, which can serve as protective factors against victimization and social withdrawal.

In conclusion, the study highlights the powerful role of social skills training in enhancing the psychosocial functioning of educable students with intellectual disabilities. By providing structured, experiential learning opportunities, educators can foster resilience, self-confidence, and adaptive social behaviors. These findings underscore the necessity of institutionalizing social skills education within special education frameworks, both as a means of academic support and as a pathway to improved life outcomes for this vulnerable population.

References

- Akhavan Tafti, M., & Mofradnezhad, N. (2018). the relationship of emotional intelligence and social skills with psychological well-being in the elderly. 13(3), 334-345. <https://doi.org/10.32598/sija.13.3.334>
- Arias, J., Soto-Carballo, J. G., & Pino-Juste, M. R. (2022). Emotional intelligence and academic motivation in primary school students. *Psicología: Reflexão e Crítica*, 35(1), 14. <https://doi.org/10.1186/s41155-022-00216-0>
- Bavi, S., & Ostadabbasi, S. (2021). Comparing the Effect of Social Skills Training and Life Skills Training (Assertiveness, Problem-Solving, and Anger Control) on Addiction Readiness, Aggression, and Attitude Change Toward Substance Use Among Ninth-Grade Female Students. *Social Psychology*, 9(60), 75-84. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/psychology/Article/925330>
- Boostani-Kashani, A.-A., Khodabakhshi-Koolaei, A., Davoodi, H., & Heidari, H. (2021). The Effect of Narrative Therapy on Communication Skills, Emotional Expression and Empathy among Couples Intending to Marry. *SALĀMAT-I IJTIMĀ'Ī (Community Health)*, 8(2), 232-246. <https://doi.org/10.22037/ch.v8i2.28959>
- Chao-Fernández, R., Gisbert-Caudeli, V., & Vázquez-Sánchez, R. (2020). Emotional Training and Modification of Disruptive Behaviors through Computer-Game-Based Music Therapy in Secondary Education. *Applied Sciences*, 10(5).
- Factor, R., Rea, H., Dahiya, A., & Albright, J. (2021). An initial pilot study examining child social skills, caregiver styles, and family functioning in the PEERS® for Preschoolers program for young autistic children and their caregivers. *Research in Developmental Disabilities*, 121, 41-52. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2021.104152>
- Hussein, K. (2021). The relationship between emotional intelligence and academic motivation of pre-university students using the mediating role of mental health. *Management and Educational Perspective*, 3(2), 77-98. <https://doi.org/10.22034/jmep.2021.294708.1060>
- Imjai, N., Aujirapongpan, S., Jutidharabongse, J., & Usman, B. (2024). Impacts of Digital Connectivity on Thailand's Generation Z Undergraduates' Social Skills and Emotional Intelligence. *Contemporary Educational Technology*, 16(1), ep487. <https://doi.org/10.30935/cedtech/14043>
- Jamalzadeh, S. (2010). *The effectiveness of social skills training on self-concept, assertiveness, and self-efficacy in male adolescents in Urmia during the 2009-2010 academic year* Faculty of Psychology and Educational Sciences, Teacher Training University of Tehran]. Master's thesis.
- Karamati, M. R. (2002). The impact of participatory learning on the development of social skills and learning of mathematics. In. Doctoral dissertation: Teacher Training University of Tehran.
- Karimzadeh, M. (2021). *Emotional Intelligence in the Classroom: Empowering Teachers and Students Through Emotional-Social Skills Training*. Ministry of Science, Research and Technology, Alzahra University, Faculty of Educational Sciences and Psychology.
- Karimzadeh, M., Akhavan Tafti, M., Kiamanesh, A., & Akbarzadeh, N. (2009). The impact of emotional-social skills training on the development of these skills. *Behavioral Sciences Journal*, 3(2), 143-149.
- Khalatbari, J., Ghorban Shiroodi, S., & Rahbar, K. F. (2010). Comparing the effectiveness of social skills training on assertiveness and mental health in students with intellectual disabilities. *Educational Psychology Quarterly*, 1(4), 71-86.
- Lee, J., Lee, T. S., Lee, S., Jang, J., Yoo, S., Choi, Y., & Park, Y. R. (2022). Development and application of a metaverse-based social skills training program for children with autism spectrum disorder to improve social interaction: Protocol for a randomized controlled trial. *Jmir Research Protocols*, 11(6), e35960. <https://doi.org/10.2196/35960>
- McNaughton, S., Zhu, T., Rosedale, N., Jesson, R., Oldehaver, J., & Williamson, R. (2021). In School and Out of School Digital Use and the Development of Children's Self-regulation and Social Skills. *British Journal of Educational Psychology*, 92(1), 236-257. <https://doi.org/10.1111/bjep.12447>
- Polat, Ö., Sezer, T., & Akyol, N. A. (2022). Collaborative learning with mind mapping in the development of social skills of children. *Participatory educational research*, 9(1), 463-480. <https://doi.org/10.17275/per.22.25.9.1>
- Pourameh Hir, Z. (2013). *Comparison of social development and social adjustment between monolingual and bilingual children in preschool centers in Ardabil* Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University]. Master's thesis.
- Rasooli, P. D., R., Mohammadisirat, F., & Hosseyniyaan, P. D., S. (2020). Teaching through Storytelling as a Way of Improving Emotional Intelligence and Reducing Bashfulness among Female Students [Research]. *Quarterly Journal of Education*, 36(1), 153-169. <http://qjoe.ir/article-1-2255-en.html>
- Salah, V. (2008). *Investigating the psychosocial development and quality of friendships in mentally disabled students* General Psychology, Shiraz University]. Master's thesis.
- Trigueros, R., Sanchez-Sanchez, E., Mercader, I., Aguilar-Parra, J. M., López-Liria, R., Morales-Gázquez, M. J., Fernández-Campoy, J. M., & Rocamora, P. (2020). Relationship between emotional intelligence, social skills and peer harassment. A study with high school students. *International journal of environmental research and public health*, 17(12), 4208. <https://doi.org/10.3390/ijerph17124208>

- Vila, S., Gilar-Corbí, R., & Pozo-Rico, T. (2021). Effects of Student Training in Social Skills and Emotional Intelligence on the Behaviour and Coexistence of Adolescents in the 21st Century. *International journal of environmental research and public health*, 18(10), 5498. <https://www.mdpi.com/1660-4601/18/10/5498>
- Yousefi, F., & Hashemian Nejad, F. (2021). The Effect of Educational Games on Learning Math Concepts and Social Skills in Anxious Preschoolers [Original Research Article]. *Middle Eastern Journal of Disability Studies---*, 11(0), 213-213. <http://jdisabilstud.org/article-1-2428-en.html>
<http://jdisabilstud.org/article-1-2428-en.pdf>